

## انتشارات دانشگاه تربیت معلم سبزوار

۱۱

همایش ادبیات فارسی و تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان (۱۳۷۸: سبزوار)	PIR
مجموعه مقالات همایش "ادبیات فارسی و تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان" /تألیف جمعی از نویسندها؛ به کوشش مدیریت پژوهشی دانشگاه تربیت معلم سبزوار، - سبزوار: دانشگاه تربیت معلم سبزوار، ۱۳۷۸.	۲۴۴۵
[شانزده]، ۴۰۳ ص: جدول، مصور، - (انتشارات دانشگاه تربیت معلم سبزوار: ۱۱: کتابنامه	۹۶۹
۱. ادبیات کودکان و نوجوانان - کنفرانسها و کنگره‌ها. ۲. آموزش و پرورش در ادبیات. الف. مدیریت پژوهشی دانشگاه تربیت معلم سبزوار، گردآورنده. ب. عنوان.	

فهرستنويسي پيش از انتشار (فپا)

نام کتاب :	مجموعه مقالات همایش "ادبیات فارسی و تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان"
مؤلف :	جمعی از نویسندها
ناشر :	دانشگاه تربیت معلم سبزوار
چاپ نخست :	۱۳۷۸
تیراز :	۱۵۰۰ نسخه
حروفچینی :	واحد حروفچینی مدیریت پژوهشی
چاپ :	چاپخانه دانشگاه
شابک :	ISBN : (964-6270-06-9) ۹۶۴۶۲۷۰-۰۶-۹
قیمت :	۲۰۰۰۰ ریال

حق چاپ برای دانشگاه تربیت معلم سبزوار محفوظ است

آرایه و نظریه‌های مدرج در مجموعه مقالات نعکاس دیدگاه‌های همایش نیست و مسوولیت نظریات به عیندۀ صاحبان مقالات می‌بلند



سازمان اسناد و کتابخانه ملی

## مجموعه مقالات

همایش ادبیات فارسی  
و تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان

مهلا ماه ۷۸

## فهرست مطالب

### عنوان

### صفحه

پیام وزیر .....	پیام وزیر .....
هفت .....	گوارش امور علمی و اجرایی همایش .....
۷ .....	تعلیم و تربیت در اشعار چند تن از شاعران .....
۱ آتش زای بحیبی .....	کودکی در اشعار شهریار .....
۱۹ احمدی علی اصغر .....	"تحلیل تربیتی محتوی کتب فارسی دوره ابتدایی "
۲۷ اشرافی سید حسین .....	نحوه تدریس انشاء
۵۹ بهرامیان اکرم .....	رابطه مقابله ادبیات فارسی و تعلیم و تربیت
۸۱ جعفری لانی حسین .....	مخاطبان گم شده
۸۹ حجوانی مهدی .....	نگاهی به موسیقی شعر کودک و نوجوان در ایران
۱۰۱ خلیلی فر ( بشیر ) مصطفی .....	بررسی ادبیات "شعر" کودکان و نوجوانان
۱۱۳ خومحمدی خیرآبادی سعید .....	ادبیات کودک و نوجوان، روانشناسی و جامعه شناسی
۱۲۵ رحیمی ابوالقاسم .....	داستانها و افسانه های تاریخی مذهبی .....
۱۳۵ سرشار (رهگذر) محمد رضا .....	آغازین نونگری به کودک و نوجوان در .....
۱۶۷ رهنمای خرمی ذوالفقار .....	معیارهای بررسی ادبیات کودکان و نوجوانان
۱۸۹ رتوفی پروین .....	دنبای آگاهی در ادبیات کودک و نوجوان
۱۹۷ زادعباس سلیمان .....	ادبیات کودک و رویکردهای جدید به دین
۲۰۵ سیدآبادی علی اصغر .....	آموزش زبان فارسی
۲۱۹ شریعتمندی علی .....	نقش ادبیات و الگوهای حماسی در شکل گیری .....
۲۲۵ شریفی غلامحسین .....	نقش زبان و ادبیات فارسی در تربیت کودکان و .....
۲۴۱ شعاعی نژاد علی اکبر .....	تفکر نمادین در ادبیات کودک
۲۴۷ عسکری مرتضی .....	تعلیم و تربیت کودک و نوجوان در شعر اوحدی
۲۵۷ علوی مقدم سید محمد .....	پیکره شناسی آموزش زبان
۲۶۷ علوی مقدم مهیار .....	

## رابطه متقابل ادبیات فارسی و تعلیم و تربیت

حسین جعفری نانی

عضو هیات علمی دانشگاه تربیت معلم سردار

### مقدمه

فرهنگ هر ملتی از عناصر متعددی تشکیل شده است. این عناصر عبارتند از: باورها، اعتقادها، ارزشها، نگرشها، مهارت‌ها، دانش، فنون، روشها، ابزارها، بناها، و ادبیات. در ادبیات نیز باورها اعتقادها، ارزشها، نگرشها، مهارت‌ها، دانش و فنون مطرح شده است. به عبارت دیگر بخشی از باورها، اعتقادها و ارزشها در ادبیات هر ملت شامل قصه، داستان، شعر، موسیقی، افسانه، ضرب المثل، لالایی‌ها، حکایتها، طنزها و غیره... چه به صورت مکتوب و چه به صورت شفاهی، نهفته است.

برای تعلیم و تربیت و فرهنگ در هر جامعه سه رابطه اساسی متصور است. اول اینکه تعلیم و تربیت می‌تواند به حفظ و انتقال فرهنگ بپردازد. دوم اینکه تعلیم و تربیت می‌تواند به انتقاد و ارزشیابی فرهنگ بپردازد و سوم اینکه تعلیم و تربیت می‌تواند به تولید و گسترش عناصر جدید فرهنگ بپردازد.

با عنایت به این روابط در می‌بایسم که رابطه بین فرهنگ و تعلیم و تربیت، متقابل و دو طرفه است. به این معنا که هر دو به یکدیگر خدمت می‌کنند و هر دو در مقابل یکدیگر وظیفه معینی

ادبیات موجود  
عبارت دیگر اد  
۲ - از ادبیات  
جمله محتوای  
ضرب المثل، ش  
تنوع و جذابیت  
۳ - تقویت  
درسی زبان و اد  
علوم تجربی و  
به روشنی بیان  
نظام ارتباطی با  
پرداخت، در در  
بخوانند و بتوون  
پایین و ابسته ام  
۴ - از ادبیات  
داستانها، حکایات  
اجتماعی و گاهی  
۵ - از طریق  
همکاری و برخ

دوم: نقش و تأثیر  
تا اینجا به:  
تربیت در مقابل  
۱ - تعلیم و  
آن ملت به نسل  
۲ - تعلیم و  
روش‌های آموز

دارند. فرهنگ عناصر و محتوای خود را در اختیار تعلیم و تربیت قرار می‌دهد و این عناصر و محتوا توسط برنامه ریزان تعلیم و تربیت در قالب فعالیتهای یادگیری و عملیات کتابهای درسی تنظیم و ارائه می‌شوند. طبیعتاً کار تعلیم و تربیت با ارائه و انتقال فرهنگ خاتمه پیدا نمی‌کند بلکه تعلیم و تربیت نیز باید یک خدمت اساسی نسبت به فرهنگ انجام دهد آن این است که دایره و پیکره فرهنگ را افزایش دهد و این امر علاوه بر حفظ و انتقال به نسل آینده با دو فرایند مهم دیگر یعنی انتقاد و ارزشیابی و تولید و توسعه تحقیق پیدا می‌کند.

در حال حاضر نمی‌توان یک رابطه یک طرفه بین فرهنگ و تعلیم و تربیت تصور کرد. یعنی نسل تحت تعلیم و تربیت با عنایت به ویژگی‌های زندگی و رشد یابندگی پذیرنده آنچه از پیش تعیین شده است نیستند. بنابراین اگر نصوح حفظ و انتقال یک طرفة فرهنگ به نسل جوان در اذهان مطرح باشد، این تصور در عمل امکان‌پذیر نیست، زیرا که نسل در حال رشد خواه ناخواه به تولید و گسترش ابعاد فرهنگ می‌پردازند. خلق روش جدید، راه حل جدید، شعر، داستان، حکایت، و کلمات موزون و امثال آن نمونه این قدرت تولید است. پس چه بهتر که در برنامه ریزی تعلیم و تربیت به این موضوع توجه شود و فرایند تغییر و گسترش فرهنگ اگاهانه طرح‌بری شود.

درست است که ما به فرهنگ غنی ملی و اسلامی خود افتخار می‌کنیم، اما به این معنا نیست که هرچه در فرهنگ ما وجود دارد خوب، کامل، جامع و بی عیب و نقص است و به عناصر جدید نیازی نیست. بلکه تغییر و تحول در عناصر فرهنگ و تولید عناصر جدید یک ضرورت محسوب می‌شود.

استفاده از برنامه ریزی درسی مبتنی بر اصول علمی و روش‌های اساسی آموزشی می‌تواند به رشد و تحول مطلوب فرهنگ توسط نسل در حال رشد کمک نماید.

ادبیات و تعلیم و تربیت علاوه بر اینکه هر دو، بخشی از زندگی انسان را تشکیل می‌دهند، به عنوان دو رشته علمی ضمن استقلال به یکدیگر وابسته هستند. تأثیر متقابل ادبیات به عنوان یک بخش اساسی از فرهنگ هر ملت و تعلیم و تربیت به عنوان فرایند هدایت و رشد همه جانبه انسان را نیز می‌توان به چند صورت تصور کرد:

اول: نقش و تأثیر ادبیات بر تعلیم و تربیت:

۱ - بخشی از محتوای کتابهای درسی بر اساس ادبیات رایج در جامعه انتخاب می‌شود.

ادبیات موجود و کهن جامعه در ضمن کتابهای درسی به نسل در حال رشد عرضه می‌شود. به عبارت دیگر ادبیات تغذیه کننده بخشی از محتوای کتابهای درسی در طول دوران تحصیل است. ۲ - از ادبیات می‌توان به عنوان ابزاری برای ایجاد تنوع و جداییت در فعالیتهای آموزشی از جمله محتوای کتابهای درسی و روشهای آموزشی استفاده کرد. استفاده از داستان، قصه، ضرب المثل، شعر و موسیقی حتی در ارائه دروسی مثل ریاضیات و علوم می‌تواند به ایجاد تنوع و جداییت در فعالیتهای آموزش منجر شود.

۳ - تقویت مهارت‌های اساسی مثل خواندن و نوشتن و گوش دادن که از طریق فعالیتهای درسی زبان و ادبیات امکان پذیر است، به تقویت این مهارت‌ها در سایر دروس مثل ریاضیات و علوم تجربی و غیره منجر می‌شود. ریگان نویسنده کتاب آموزش ابتدایی پیش‌رفته این موضوع را به روشنی بیان کرده است و اشاره می‌کند که ریاضیات یک نظام ارتباطی است. برای تقویت این نظام ارتباطی باید به تقویت مهارت‌های اساسی زبان از جمله گوش دادن، خواندن و نوشتن پرداخت. در دروس ریاضیات و علوم تجربی دانش آموzan باید مشاهده کنند، گوش فرا دهند، بخوانند و بنویسند و تقویت این مهارت‌ها به چگونگی ارائه درس ادبیات فارسی به ویژه در سنین پایین وابسته است.

۴ - از ادبیات به عنوان ابزار ارائه دانش و مهارت‌ها نیز استفاده می‌شود. در ضمن بسیاری از داستانها، حکایتها، قصه‌ها و اشعار، اطلاعات و دانش فراوانی در باره تاریخ، اقتصاد، روابط اجتماعی و گاهی زمینه‌های علمی به فراگیران عرضه می‌شوند.

۵ - از طریق دروس ادبیات فارسی برخی مفاهیم اخلاقی، معنوی، دین باوری، تلاش، ایثار، همکاری و برخی از زیباییهای جهان نیز ارائه می‌شوند.

**دوم: نقش و تأثیر تعلیم و تربیت بر ادبیات:**  
تا اینجا به نقش و تأثیر ادبیات بر تعلیم و تربیت پرداختیم. اینک به نقش و وظیفه تعلیم و تربیت در مقابل ادبیات می‌پردازیم:

۱ - تعلیم و تربیت وظیفه دارد ادبیات موجود و کهن هر ملتی را به عنوان بخشی از فرهنگ آن ملت به نسل آینده انتقال دهد.

۲ - تعلیم و تربیت وظیفه دارد با استفاده از اصول و فنون علمی در برنامه ریزی درسی و روشهای آموزشی به انتقال ادبیات به نسل آینده بپردازد، تا بتواند نقش هدایت و رشد همه

ناصر و  
درسی  
نمی‌کند  
ست که  
و فرایند  
د. یعنی  
ز پیش  
هوان در  
ه ناخواه  
ه داستان،  
ه برنامه  
ه آگاهانه

ه نیست  
ه عناصر  
ه سروزت  
ه سی تواند

ه هشد، به  
ه عنوان  
ه جانبه

ه شود.

جامعه خود را به خوبی ایفا کند. به عنوان مثال استفاده از تکرار، هماهنگی بواز دنبال کردن هدف واحد، مثل اثبات یگانگی خدا در داستانهای قرآن، تنوع در روش ارائه و بیان داستان‌های کودکان از جمله اصولی است که باید به آن توجه کرد، مثلاً روشهای ارائه و بیان داستان را در قرآن به صورتهای مختلف می‌توان تقسیم کرد، از جمله:

۱ - گاه فشرده‌ای از داستان در اول می‌آید سپس جزئیات مطرح می‌شوند، مثل سوره کهف، داستان اصحاب کهف.

۲ - گاه نتیجه داستان در آغاز می‌آید و سپس اصل ماجرا با جزئیات و به صورت مرحله به مرحله ارائه می‌شود.

۳ - گاه داستان به طور مستقیم و بی مقدمه و رعایت اختصار بیان می‌شود مثل قصه نولد عیسی و قصه سلیمان و مورچه.

۴ - گاهی هدف از نقل ماجرا تکیه روی فهرمان آن داستان است. مثل ذکر نام ابراهیم و اسماعیل در ساختن کعبه.

۵ - گاه اندکی از راز قضیه برخواننده آشکار می‌شود مثل حکایت آوردن تخت بلقیس.

۶ - گاهی هم راز مطلب و هم قهرمان داستان در آن واحد بر شنونده آشکار می‌شوند مثل ظهور روح خدا بر مریم در هیأت انسان و توضیح در پاسخ مریم بیمناک که من از طرف پروردگار مأمور هستم تا به تو پسری عطا کنم و نذاکردن عیسای نوزاد از زیر درخت خرما، مادر نو مید خود را. (سوره مریم آیات ۳۳-۳۴).

علاوه بر اصول فوق توجه به برخی اصول دیگر نیز لازم و ضروری است.

۱ - طرح برخی از حوادث و اتفاقات روزانه اطراف کودک در ضمن فعالیتهای ادبی مثل داستان، قصه و حکایت، ضرب المثل و غیره...

۲ - انطباق با ویژگیهای رشد و کمک به هدایت و رشد. کودک عمدتاً در سینین قبل از دبستان جاندار پنذار است، اشیاء را متحرک و موجودات غیر انسانی را مثل انسان تصوّر می‌کند، انعکاس برخی مفاهیم اخلاقی، اجتماعی، و معنوی در قالب چنین شخصیت‌هایی به انتقال سریعتر آنها کمک می‌کند.

به علاوه کودک در سینین پایین خود مدار است، برای کاهش میزان خود مداری، ارائه داستانها، قصه‌ها و اشعاری که به توسعه دید کودک درباره سایر افراد به عنوان افرادی جدا از خود او می‌پردازند مفید می‌باشند.

۳- امکان تخیل و تفکر از طریق داستان ، قصه یا شعر برای کودکان میسر باشد.

۴- طول داستان یا قصه و شعر مناسب با شرایط سنی کودک باشد .

استفاده از اصول فوق و سایر اصولی که ذکر همه آنها در اینجا میسر نیست کودک را ز حالت پذیرندگی آنچه که موجود است یا از گذشته رسیده دور می نماید .

۳- وظیفه سوم تعلم و تربیت در مقابل ادبیات، کمک به انتقاد و ارزشیابی ادبیات موجود است. ادبیات ما یک ادبیات کهن و باسابقه است. اما این باعث نمی شود که فکر کنیم هر آنچه در آن وجود دارد خوب و بسیار عیب و نقص است. در اشعار، داستان‌ها، قصه‌ها، افسانه‌ها و حکایت‌های ادبی هر ملتی باورها، اعتقادها و گرایش‌های نامطلوبی وجود دارند که به تغییر سلیقه‌ها و رفتار انسان منجر می‌شوند. تعلم و تربیت وظیفه دارد هنگام انتقال میراث ادبی به نسل آینده بیاموزد که این باورها و گرایش‌ها را با دید انتقادی مورد بررسی قرار دهند و سپس باورها و عقاید مثبت و منطقی را آگاهانه پذیرند و باورها و عقاید نامطلوب و غیر منطقی را رد کرده یا مورد اصلاح و تجدید نظر قرار دهند و با آگاهی کامل از نوع باورها و اعتقادهای پذیرفته شده به تغییر و رشد خود اقدام نمایند .

علاوه بر اینها اگر هم تصور کنیم هر آنچه در پیکره ادبی ما موجود دارد بسیار عیب و نقص است در چنین مواردی نیز به کار بردن قدرت انتقاد و ارزشیابی با پذیرش آنها منافاتی ندارد .

۴- علاوه بر حفظ ، انتقال و ارزشیابی وظیفه چهارم تعلم و تربیت در مقابل ادبیات این است که امکان آفرینندگی و خلق آثار تازه ادبی را برای نسل در حال تربیت فراهم نماید. طبق نظریه پیاڑه کودکان از همان سنین پایین قادر به انجام تفکر نمادین، باز آفرینی و جاندار پنداری هستند. این نشان می‌دهد که کودکان قادر به خلق مفاهیم و موقعیت‌های تازه و ابتکاری یعنی اموری که در واقعیت کمتر وجود دارند می‌باشند. مثلاً وقتی که به مشاهده فردگاه می‌روند در اولین لحظه در جستجوی گاراز هواپیما می‌باشند، وقتی که باخورشید یا حیوانات اطراف خود حرف می‌زنند و وقتی که از یک چوب به عنوان اسب و از یک آجر پاره، متکا و یک سینه به جای اتومبیل استفاده می‌کنند و یا وقتی که اتومبیل را مثل انسان دارای دهان، بینی و دندان و غیره تصور می‌کنند، همگی دلالت بر این دارند که در سنین پایین قادر به تولید و خلق مفاهیم و ایده‌های جدید می‌باشند. بنابراین چه جایی بهتر از کلاس درس ادبیات فارسی و هنگام آموزش زبان و ادبیات فارسی برای تغییر، تولید و تحول زمینه‌های ادبی مثل شعر و یا داستان جدید می‌توان تصور کرد؟ نسل تحت تعلیم و تربیت می‌توانند مفاهیم و زمینه‌های جدید و تازه‌ای را

به ادبیات بیغزایند و دامنه و گستره آن را افزایش دهند. البته این میل به طور طبیعی در نسل در حال رشد وجود دارد، اما اگر ما توجه بیشتر به آن معطوف نماییم و در برنامه ریزی دروس ادبیات فارسی و روش‌های اساسی آموزشی، اصول اساسی تعلیم و تربیت را مد نظر قرار دهیم، این توانایی و تمایل تقویت شده و با سرعت بیشتر و فراگیرتر تحقق خواهد یافت.

بنابراین هنگامی که برای کودکان شعر می‌خوانیم، از آنها بخواهیم به تولید شعر کودکانه پردازند. البته کودکان این کار را به طور طبیعی انجام می‌دهند. سر هم کردن تعدادی کلمات بی معنی با آهنگ خاصی و تکرار موزون آنها در ضمن بازی و فعالیت روزانه شاهد این تمایل می‌باشد.

هنگامی که به موسیقی گوش می‌دهند، می‌توانیم میل به ساختن یک ملودی ساده را در آنها تقویت کنیم، هنگامی که برای آنها قصه می‌خوانیم یا خودشان قصه و داستان می‌خوانند می‌توانیم کمک کنیم تا قصه و داستان بسازند. البته همگان این موضوع را در برخورد با کودکان تجربه کرده‌اند که کودکان داستانهای خیالی سر هم می‌کنند و گاهی این داستان‌ها واقعیت ندارند ولی زایدهٔ تفکر و تخیل کودکانه و عدم تفاوت بین واقعیت و خیال هستند. برخی نیز این رفتار را نشانهٔ دروغگویی کودک تلقی می‌کنند، اما چنین نیست. مثلاً کودک به معلم خود می‌گوید دیروز با هوایپما رفتم فلان جا و برگشتم!!

نتیجه اینکه تعلیم و تربیت و ادبیات گاهی برای دیگری نقش هدف و گاهی ابزار را ایفا می‌کنند. وقتی که تعلیم و تربیت هدف و ادبیات ابزار باشد چنین موقعیتی متصور است:

۱ - ادبیات زمینه آشنایی کودکان را با باورها، اعتقادها، گرایش‌ها و مفاهیم معنوی، اخلاقی،

عاطفی و اجتماعی و بنابراین کمک به رشد ابعاد مختلف را فراهم می‌کند.

۲ - ادبیات به متنوع و جذاب سازی فعالیت‌های آموزشی کمک می‌کند.

۳ - ادبیات به تقویت مهارت‌های اساسی گوش دادن، خواندن و نوشتن که لازمهٔ یادگیری سایر دروس می‌باشد می‌پردازد.

وقتی که ادبیات هدف باشد و تعلیم و تربیت ابزار چنین موقعیتی متصور است:

۱ - تعلیم و تربیت باید به انتقال ادبیات هر ملت کمک کند.

۲ - تعلیم و تربیت باید با استفاده اصول علمی مبتنی بر روان‌شناسی رشد و یادگیری و تعلیم تربیت به تدوین برنامه درسی صحیح و مطلوب ادبیات پردازد.

۳ - تعلیم و تربیت باید به انتقاد و ارزشیابی ادبیات هر ملت پردازند.

۴ - تعلیم و تربیت باید به گسترش و افزایش زمینه‌های ادبی هر ملت پردازد .  
با این تعابیر تعلیم و تربیت و ادبیات را می‌توان به مثابه دوچرخ دنده که دنده‌های آنها داخل هم می‌باشند تصور کرد . وقتی که ادبیات ابزار باشد و شروع به چرخش کند هدف خود یعنی تعلیم و تربیت را نیز به چرخش در می‌آورد و وقتی که تعلیم و تربیت ابزار باشد و شروع به چرخش نماید هدف خود یعنی ادبیات را به چرخش در می‌آورد . کوچکترین حرکتی در یکی از دو چرخ دنده، باعث حرکت چرخ دنده دیگری می‌شود .  
سخن آخر اینکه هدف اساسی و نهایی تعلیم و تربیت و ادبیات هر دو رشد و هدایت انسان می‌باشد .

#### پیشنهادهای تربیتی

- ۱ - در برنامه‌ریزی درسی به این موضوع توجه شود که بخش عمده‌ای از فرهنگ هر جامعه از طریق متون و دستاوردهای ادبی انتقال می‌یابد . و این موضوع در تنظیم کتابهای درسی و روش‌های آموزشی مورد توجه قرار گیرد .
- ۲ - استفاده از ادبیات گاهی خود روش آموزشی محسوب شود .
- ۳ - از ادبیات به عنوان ابزار رشد خود استفاده شود .
- ۴ - معلمان ادبیات و کارشناسان تعلیم و تربیت در مدارس در برنامه‌ریزی درسی با هم مشارکت نمایند .

### منابع

- ۱ - شریعت‌داری علی، جامعه و تعلیم و تربیت، انتشارات امیرکبیر.
- ۲ - بیلو، رابرт، کاربرد روان‌شناسی در آموزش، ترجمه دکتر پروین کدبور، انتشارات رشد.
- ۳ - حکمت محمود سخنی درباره ادبیات کودکان و نوجوانان، چاپ دوم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۴ - پلووسکی، آنا، بررسی ادبیات کودکان در کشورهای در حال رشد، ترجمه دکتر علی شکوهی، نشر ناظم، ۱۳۶۳.
- ۵ - Ragan , william B . Modern Elementary curriculum New York . 1997.